



## راهکارهایی برای سودمندسازی نقد کتاب

محمدعلی سلطانی

در مورد اهداف نقد، بحث‌های قابل توجهی در مجلات و از جمله در همین نشریه ارائه شده است. از بین اهداف بسیار آن، مهم‌ترین هدف را تبادل اندیشه و نیز کمک به نویسندگان برای تصحیح دیدگاهش می‌شمارند تا از این طریق به خوانندگان یاری برسانند و آنان را از فروغلطیدن به انحراف و گمراهی بازدارند. بدیهی است وقتی کتابی مورد نقد قرار گرفت و لغزش‌های احتمالی آن گوشزد شد، نویسنده تلاش خواهد کرد آنها را در چاپ‌های بعدی اصلاح کند؛ این نتیجه در مورد کسانی صادق است که از نقد استقبال کنند و آن را هرگز به مفهوم کینه‌ورزی، عقده‌گشایی و امثال آن نگیرند. از آنجایی که استقبال کنندگان از نقد، روز به روز فزون‌تر شده و می‌شود، در عمل افرادی که با دیده منفی به نقد کتاب‌هایشان می‌نگرند، محدود و غیر قابل توجه شده‌اند، باید گفت: نتیجه مورد اشاره، جنبه عمومی یافته است.

نکته‌ای که احساس می‌شود در این بین حلقه مفقوده را تشکیل می‌دهد، چگونگی و شکل دستیابی ناشر و یا نویسنده به دیدگاه منتقد و یا منتقدان اثر است. در جامعه فرهنگی در ارتباط با کتاب و مجله و به طور کلی در خصوص نشر، چند معضل جدی وجود دارد که برای حل آنها اقدام در خوری انجام نگرفته است. یکی از این معضلات راه‌های دستیابی افراد به محصولات علمی و فرهنگی است. توزیع آثار و رساندن آن به دست خواننده بسیار کند و دشوار انجام می‌گیرد. در بسیاری از

امروزه به نظر نمی‌رسد کسی در ضرورت وجود نقد برای بهبودی وضع نشر و بالا بردن کیفیت کتابها تردیدی داشته باشد و اگر فردی هم وجود داشته باشد که نسبت به این مطلب بدیهی، تردیدی داشته باشد، باید در مقدار آگاهی وی از مفهوم نقد تأمل کرد. وجود مجلات ویژه نقد و یا تخصیص بخشی از مجلات به مقوله نقد، گویای آن است که نقد کتاب امروزه در بین اهل کتاب جای خود را باز کرده است. بر این مطلب این نکته را هم باید افزود که در مواردی نویسندگان و یا ناشران کتاب‌ها از مجلات می‌خواهند آثار آنان را به نقد و بررسی بکشند. این نکته از سویی گویای آن است که نویسندگان به ارزش نقد پی برده‌اند و نقد کتابشان را موجب تنقیص آن نمی‌دانند، بلکه نقد را مایه فخر و مباهات می‌شمارند و از سوی دیگر ناشران، نقد کتاب‌های منتشره از سوی خود را ابزاری برای مطرح شدن کتاب‌ها و در نتیجه، اقبال خریداران به آن آثار می‌دانند. این امر هم گویای جایگاه والای نقد کتاب در بین اهل کتاب به مفهوم عام آن است و هم بیانگر جاننشین شدن نقد به جای تقریظ است. در هر صورت مقوله نقد از مرحله اثبات مشروعیت خود پا فراتر نهاده است و خود را به عنوان یک ضرورت بر اهل کتاب تحمیل کرده است. امروزه کسی در این مورد دغدغه ندارد و به سادگی آن را می‌پذیرد؛ اما سخن در این است که آیا نقد کتاب توانسته است به اهداف خود دست پیدا کند؟ کتاب چرا باید مورد نقد و بررسی قرار گیرد؟ و آیا پاسخ مطلوب خود را یافته است؟

### ۱. ایجاد کانون منتقدان

فقدان مرکزی برای افرادی که دست اندرکار نقد کتاب هستند، موجب می شود هر کس باتوجه به مقدار معلومات و تجربه های شخصی خود به نقد بپردازد. بدیهی است این روش موجب می شود منتقد در مراحل اولیه از روش آزمون و خطا بهره بگیرد. این آزمون و خطا در مواردی موجب کدورت خاطر نویسنده کتابی می شود که سالیانی برای اثر خود رنج کشیده است و انتظار دست مریزاد از اهل کتاب دارد، اما ناگهان با ناسپاسی مواجه می گردد که منتقدی از روی اشتباه و عدم آشنایی با ادب و فرهنگ نقد، تقدیم نویسنده می کند.

از سوی دیگر نبود چنین کانونی موجب شده است راهکاری در مورد چگونگی انتخاب کتاب برای نقد، روش نقد کتاب، مقدار ارج گذاری و پرداختن به نقد در هر مورد، طبقه بندی نشریاتی که به امر نقد کتاب می پردازند و مسائلی از این دست، تدارک دیده نشود. اگر برای منتقدان کتاب کانونی وجود داشته باشد، آنان می توانند با تبادل نظر و بیان تجربیات، خود، راهکارهایی برای بهبود امر نقد کتاب پیدا کنند و چهارچوب های اولیه ای برای نقد کتاب تدوین کنند و امر نقد را سامان دهند؛ افزون بر آن نویسندگان و ناشران برای بهبود آثار خود جایی خواهند داشت تا آثار خود را به آنجا ارسال کنند تا دست اندکاران نقد کتاب درباره آنها تصمیم بگیرند. این کانون می تواند به طبقه بندی مجلاتی بپردازد که به امر نقد کتاب می پردازند؛ و هر نقدی را به نشریه ای ارائه دهد که بیشتر در دسترس متخصصان موضوع کتاب مورد نقد، قرار می گیرد. این کانون می تواند ناشر و یا نویسنده کتاب را در جریان نقد شدن کتابش قرار دهد و حتی نظری را در مورد نقد جو یا شده، آن را به خوانندگان نقد منتقل کند. در کنار همه اینها راه اندازی نشست هایی است که این کانون می تواند در مورد پاره ای از آثار بسیار مهم که اندیشه نوی را ارائه می کنند، برپا کند. همان گونه که اشاره شد، در بین آثاری که راهی بازار کتاب می شوند، گاه نوشته هایی است که به پیش از یک نقد نیازمند است. این آثار نیازمند جلب توجه منتقدان مختلف است. وجود کانون برای نویسندگان، نقد این امکان را برای آنان فراهم می کند تا از وجود این قبیل آثار خبردار شوند و به نقد و بررسی آن بپردازند.

### ۲. التزام به ارسال نسخه ای از مجله به نویسنده کتاب

اکنون که این امکان در اختیار منتقدان نیست تا از راه کانونی، اطلاعات مورد نیاز نویسندگان کتاب های مورد نقد در اختیار آنان قرار گیرد، به نظر می رسد بهترین شیوه آن است که مجلات

موارد حتی ناشران هم از آثار منتشر شده اطلاعات به روز و لازم را ندارند. کارهایی را هم که ارگان های دولتی و دست اندرکاران رسمی در این خصوص انجام می دهند، با توجه به صبغه دولتی بودن آن - که کندی و عقب ماندگی زمانی، لازم غیر مفارق آن است - مشکلی را حل نمی کند. این وضعیت دردناک در حوزه نشر موجب شده است در بسیاری موارد نقد کتابی به دست نویسنده آن نرسد و یا دیر هنگام برسد؛ از این رو گاه دیده می شود بعد از یک یا چند چاپ، نویسنده از وجود نقد آگاهی پیدا می کند و عملاً بخشی از هدف نقد از دست می رود.

نکته دیگر آنکه در مواردی کتاب هایی نقد می شود که ارزش چندانی برای نقد و بررسی ندارند و در مقابل آثار ارزشمندی چاپ می شود که از دسترس منتقدان به دور می ماند و از نعمت نقد و بررسی محروم می شوند. اینکه چه کتاب هایی باید مورد نقد قرار گیرد، نیازمند تبیینی است که باید از سوی منتقدان انجام گیرد. در حوزه نقد دو گونه کتاب دیده می شود: نقدهایی که هدف از آن پیشگیری از هدر رفتن وقت و سرمایه خوانندگان است؛ گرچه می گویند هر کتابی به یک بار خواندن می ارزد، اما بعید به نظر می رسد این قاعده برای امروز جامعه که فرصت ها اندک و بودجه ها محدود است، همچنان صادق باشد؛ از این رو باید این بخش از نقدها که هدف آن پیشگیری از اتلاف وقت و مال خوانندگان است، به طور جدی پیگیری شود؛ اما به حتم بین این نوع کتاب ها و کتاب هایی که هدف از نقد آن معرفی بیشتر کتاب و سوق دادن خوانندگان به خرید و خواندن آنها است، باید فرق گذاشته شود. تفاوت این بخش از کتاب ها با بخش نخست، در این است که در این بخش نیاز به نقدهای متعدد و تبادل نظر است. این نقدها به حتم باید به دست نویسنده برسد تا اگر نویسنده دیدگاهی در مورد نقد دارد، منتقل کند و باب بحث و گفتگو گشوده شود. این نوع نقد در حقیقت یک کار علمی بسیار ارزشمند و پربازدهی است که شاید در مواردی از اصل کتاب هم سودمندتر باشد. برای این بخش از نقد باید راهکارهایی در نظر گرفت تا گروه زیادی از متخصصان در موضوع کتاب مورد نقد وارد بحث و تبادل آرا گردند. در این مورد چند کار می توان انجام داد:

این روش را پیشه کنند که نسخه ای از مجله ای که کتاب در آن نقد شده را از طریق ناشر کتاب در اختیار نویسنده بگذارند و از وی بخواهند در صورتی که در مورد نقد نقطه نظر و یا دیدگاهی دارد، آن را منتقل کند و نشریه آمادگی خود را برای چاپ و نشر دیدگاه نویسنده اعلام دارد. قسمت اخیر این پیشنهاد معمولاً از سوی نشریات انجام می گیرد، اما مهم مرحله نخست است که انجام آن به امر نقد و در نتیجه اصلاح و پیشرفت امور کتاب کمک می کند.

در مرحله پیشرفته تر حتی نشریاتی که به امر نقد کتاب می پردازند، می توانند واسطه نقد کتابی که از اندیشه نوی برخوردار است، پیش از نشر بشوند؛ به این شیوه که نویسنده گزارشی از کتاب خودش را در نشریه ارائه کند و در آن از منتقدانی که در حوزه مورد بحث نقطه نظراتی دارند، درخواست کند تا در صورت تمایل و وجود فرصت کتاب وی را پیش از نشر بخوانند و راهنمایی لازم را ارائه دهند. این کار قطعاً به سود نویسنده و در نهایت به نفع خواننده کتاب خواهد بود.

#### ۳. همکاری بین مجلات

یکی از راه هایی که در مورد نقد کتاب می تواند کمک خوبی به این امر کند، همکاری بین مجلاتی است که به نقد کتاب به صورت کلی و یا جزئی می پردازند. بسیاری از نویسندگان، به شکل تخصصی کار می کنند و از پراکنده کاری پرهیز دارند؛ البته افرادی هم هستند که در چند رشته از دانش ها دستی دارند. گروه دوم ممکن است از شمار زیادی از مجلات اطلاع داشته باشند و اگر در آنها نقدی بر کتابی وجود داشته باشد، از آن آگاهی پیدا کنند؛ اما این شرایط برای گروه نخست پیش نمی آید. اینان اگر اهل مراجعه به مجلات هم باشند، معمولاً مجلاتی را مورد توجه قرار می دهند که به حوزه کاریشان مربوط باشد و به خریدن و خواندن مجلات دیگر علاقه ای نشان نمی دهند و معمولاً اهل مراجعه به بخش مطبوعات کتابخانه ها نیز نیستند. به نظر می رسد سودمند ساختن نقدها در گروه آن است که تا حدودی مجلات به گونه تخصصی به نشر نقدها پردازند. این کار از سوی پاره ای از مجلات انجام می گیرد، اما مجلاتی هم هستند که چنین روشی را همواره مراعات نمی کنند. اگر در بین مجلات این همکاری وجود داشته باشد که نقدها را بر پایه تخصص مجلاتشان تقسیم کنند و اگر نقدی به دفتر مجله شان می رسد که به تخصص مجله دیگری مربوط است، با هماهنگی نویسنده نقد به آن مجله واگذارند، با اطمینان بیشتری نقد به دست نویسنده کتابی می رسد که مورد نقد قرار گرفته است.

#### ۴. خبرنامه فرهنگی - مطبوعاتی

در جامعه ما نشریاتی وجود دارد که نیازمندی ها را در زمینه های گوناگون به اطلاع مردم می رساند تا کسانی که جوایز چیزی هستند، با خریدن نسخه ای از آن در مورد نیازهایشان آگاهی لازم به دست آورند؛ اما این کار در مورد آثار علمی به صورت درست و کارساز انجام نمی گیرد. پاره ای از مجلات و نشریات و به ویژه نشریاتی که توسط وزارت ارشاد منتشر می شود به این کار می پردازند که بیانگر آن است که چنین دغدغه ای در بین اهل کتاب وجود داشته و دارد، اما این کار چنان ضعیف است که عملاً نتوانسته نیاز جامعه اهل کتاب را برآورده کند. به یاد دارم وقتی کنگره دین پژوهان را بنیاد نهادیم، در جلسه ای در حضور آقای مسجد جامعی وزیر ارشاد وقت، فلسفه وجودی چنین کنگره ای خلاصه اطلاعاتی در بین محققان و مراکز تحقیقی اعلان شد و در همان جلسه به آقای مسجد جامعی یادآور شدم که ما در حقیقت به یک پستیچی نیازمند هستیم که اخبار تحقیق، مراکز تحقیقی، کتاب، نشر و مسائل مربوط به آن را جمع آوری کند و آنها را به اطلاع همه کسانی که در این زمینه کار می کنند برساند. این با همه سادگی و پیش پا افتادگی اش، همه آن چیزی است که جامعه پژوهشی به آن نیازمند است. متأسفانه آن تلاش هم به جایی نرسید و برخلاف فلسفه وجودی اش به یک تشکیلات تبدیل شد که خود نیازمند به همان اطلاعاتی گشت که می خواست برای دیگر مؤسسات و تشکیلات فراهم کند. این نیاز همچنان پابرجاست. اگر چنین خبرنامه ای وجود داشته باشد و به ماندگاری در حوزه تعریف شده اش پایبند باشد، خواهد توانست در کنار اطلاعات دیگری که به اهل تحقیقی منتقل می کند، فهرست همه نشریات را با سرعت به خوانندگان منتقل کند و افراد با مراجعه به این نشریه از بازتاب نوشته های خود آگاهی پیدا کنند و اگر کتابشان در جایی مورد نقد قرار گرفته است، از آن باخبر شوند.

این چند پیشنهاد ساده می تواند در مورد سودمندسازی و بهره وری بیشتر از نقد کتاب راهکارهایی تلقی شود که می توان به همت دلسوزان کتاب آنها را به اجرا درآورد و خدمتی به دوستداران کتاب نمود.

